



مطالعه دگرگونی‌های فرهنگی و تغییرات مکان‌گزینی استقرارهای ادوار مس‌وسنگ تا عصر قاجار دشت کبودآهنگ، استان همدان (مبتنی بر دو فصل بررسی باستان‌شناختی)

رضا نظری‌ارشد^I

خلیل‌الله بیک‌محمدی^{II}

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۴۸ - ۲۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹
شناسه دیجیتال (DOI): 10.6622/PJAS.4.14.27

چکیده

استقرارهای جوامع انسانی، همواره در طول زمان دچار دگرگونی‌های فرهنگی و تغییرات مختلف در مکان‌گزینی خود بوده‌اند. ازجمله دلایل این دگرش، تحول در راهبردهای معیشتی در نتیجه تغییرات اقلیمی، دگرگشت در سازمان اجتماعی در پی تغییرات تولید، فناوری و... بوده است. در این بین، مهم‌ترین عامل را باید معیشت و به‌نوعی جبر وابسته به جغرافیای زیستی (زیست‌بوم) در تأمین نیازهای اولیه، در ساختار الگوی استقرارهای انسانی قلمداد کرد؛ بنابراین چارچوب‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی، مکمل یکدیگر برای تحلیل چرایی ایجاد تغییرات یا عدم آن در الگوهای زیستی انسان‌ها در طول حیات تاریخی آن‌ها به‌شمار می‌آیند. دشت کبودآهنگ، از دشت‌های شمالی استان همدان و از مهم‌ترین کریدورها و راه‌های ارتباطی بین فرهنگ‌های فلات مرکزی، شمال غرب و زاگرس مرکزی در طی ادوار مختلف بوده است. این دشت در تابستان ۱۳۸۶، تحت عنوان: «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل‌تپه و مرکزی شهرستان کبودآهنگ»، به‌صورت فشرده (پیمایشی) با گردآوری مواد فرهنگی از سطح محوطه‌ها، طی دو فصل بررسی و مطالعه گردیده است. برآیند مطالعات میدانی، دربردارنده ۱۴۰ محوطه از ادوار مختلف مس‌وسنگ تا اسلامی متأخر است که نشان از دگرگونی و تغییرات زیست‌محیطی و فرهنگی در الگوهای استقرار از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار دارد. از موضوعات اصلی که در علم باستان‌شناسی بدان پرداخته می‌شود، مسأله بررسی تغییرات مکان‌گزینی محوطه‌های باستانی و درنهایت، تلاش برای تحلیل تغییر و تحولات الگوهای استقرار و دلایل آن در طول زمان است. در این راستا و برای بررسی فرآیند دگرگشت‌های الگوهای استقرار، انگاره‌هایی مبنی بر تأثیر عواملی مانند: «فضا»، «زمان» و «مکان» در روند این تغییرات ارائه شده است. با این وصف، پرسش اصلی این پژوهش چنین طرح می‌شود که، عوامل تأثیرگذار در دگرگونی و تغییرات فرهنگی استقرارهای دشت کبودآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار چه بوده است؟ روش اتخاذشده در پژوهش حاضر، بهره‌برداری از راهبردهای نظریه «کنت وات»، مبتنی بر تحلیل‌های GIS با رویکرد تاریخی-تحلیلی خواهد بود. نتایج مطالعه استقرارهای دشت کبودآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار، نشان از تغییر در راهبردهای سازشی گروه‌های انسانی حاضر در آن، براساس الگوهای معیشتی در مکان‌گزینی با تأسی از جغرافیای منطقه مورد مطالعه در نیازهای جوامع انسانی دارد.

کلیدواژگان: دشت کبودآهنگ، بررسی باستان‌شناختی، الگوی استقرار، مکان‌گزینی، دگرگشت فرهنگی، جغرافیا.

I. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
II. دکتری باستان‌شناسی، کارشناس حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
Khalil_bm@yahoo.com

مقدمه

استقرارهای انسانی در طول زمان، همواره دچار دگرگونی و تغییرات مختلف در مکان‌گزینی بوده است. از جمله دلایل آن، دگردیسی در راهبردهای معیشتی در پی تحولات اقلیمی، تغییر در سازمان اجتماعی در پی دگردیسی‌های فرهنگی، فناوری و... بوده است. علاوه بر دلایل اقتصادی-اجتماعی، مباحث فرهنگی و به‌نوعی جبر وابسته به جغرافیای محیطی نیز می‌توانسته ساختار الگوهای استقرارهای انسانی را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ بنابراین چارچوب‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیط، مکمل یکدیگر برای توضیح چرایی ایجاد تغییرات یا عدم آن در الگوهای زیستی انسان‌ها در طول حیات تاریخی آن‌ها به‌شمار می‌آیند. دشت کبودرآهنگ با گستردگی در جهت شمال غربی-جنوب شرقی و با ۵۰ کیلومتر درازا، از جمله دشت‌های شمالی استان همدان و از کریدور و راه‌های ارتباطی مهم بین ساکنان فلات مرکزی، شمال غرب و زاگرس مرکزی بوده است. این شهرستان با برخورداری از جغرافیای متنوع شامل نواحی کوهستانی، دامنه‌های مرتفع، تالاب (شیرین‌سو) و دشت میان‌کوهی در دامنه‌های شمال شرقی کوهستان الوند، در طی زمان تحولات مختلف زیستی و اقلیمی را تجربه کرده و پشت‌سر گذاشته است. این دشت در تابستان ۱۳۸۶، با عنوان: «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل‌تپه و مرکزی شهرستان کبودرآهنگ»، به‌صورت فشرده (پیمایشی) با گردآوری مواد فرهنگی از سطح محوطه‌ها، طی دو فصل بررسی و مطالعه گردید و در نتیجه، ۱۴۰ محوطه از ادوار مختلف مس‌وسنگ تا اسلامی متأخر شناسایی شده که گونه‌های مختلف: تپه، غار، قلعه، قبرستان، نقوش صخره‌ای، حمام، پل و... را شامل می‌شود. در این پژوهش به مطالعه دگرگونی‌ها و تغییرات مکان‌گزینی استقرارها، آثار و تحولات فرهنگی یافته‌های باستان‌شناختی این حوزه فرهنگی پرداخته خواهد شد که از اهداف اصلی این گفتار نیز به‌شمار می‌آید.

پرسش و فرضیه پژوهش: پرسش اصلی این پژوهش چنین طرح می‌شود: عوامل تأثیرگذار در دگرگونی و تغییرات فرهنگی استقرارهای دشت کبودرآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار چه بوده است؟ با تأمل بر چگونگی توزیع و پراکنش فضایی و مکانی استقرارها می‌توان دریافت که بیشترین تأثیر در روند تحولات مربوط به استقرارهای انسانی در این منطقه را، عوامل جغرافیایی و قابلیت‌های اقلیمی و توانمندی‌های محیطی در تولیدات کشاورزی دربر داشته است.

روش پژوهش: این پژوهش به روش تاریخی-تحلیلی و برگرفته از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام پذیرفته است. در راستای تحلیل و بررسی الگوهای استقرار و توضیح دلایل تغییر و تحولات در آن‌ها، عواملی هم‌چون، «فضا»، «زمان» و «مکان» در روند این تحولات مؤثر دانسته شده‌اند. روش سنجش اتخاذشده در پژوهش حاضر، بهره‌برداری از راهبردهای نظریه «کنت وات» به واسطه تحلیل عوامل: زمان، مکان و فضا است که امکان ارائه تفاسیر عینی‌تر از مدارک باستان‌شناختی در تحلیل عوامل محیطی و جغرافیایی را فراهم می‌سازد. در مطالعات باستان‌شناختی، بسیاری از فرآیندهای شکل‌گیری، گسترش، تداوم و تخریب استقرارهای انسانی در بستر تحولات زیست‌بوم مورد توجه قرار می‌گیرند. «وات»، متغیرهای محیطی مؤثر بر شکل‌یابی، توسعه، استمرار و دگرگونی سکونتگاه‌ها را در پنج گروه شامل: ماده، انرژی، تنوع، زمان و فضا تقسیم و ارائه کرده است (وات، ۱۳۸۶)؛ بنابراین با استفاده از ابزارهای محاسباتی GIS، گزاره‌ها و عوامل اصلی برپایی استقرارهای انسانی در محدوده جغرافیایی دشت کبودرآهنگ از ادوار مس‌وسنگ تا عصر قاجار مورد سنجش و ارزیابی قرار خواهند گرفت. در این روش بررسی، تمام مکان‌های باستانی از نظر موقعیت مکانی و دوره‌هایی که مشمول آن‌هاست، مدنظر خواهد بود.

پیشینه پژوهش

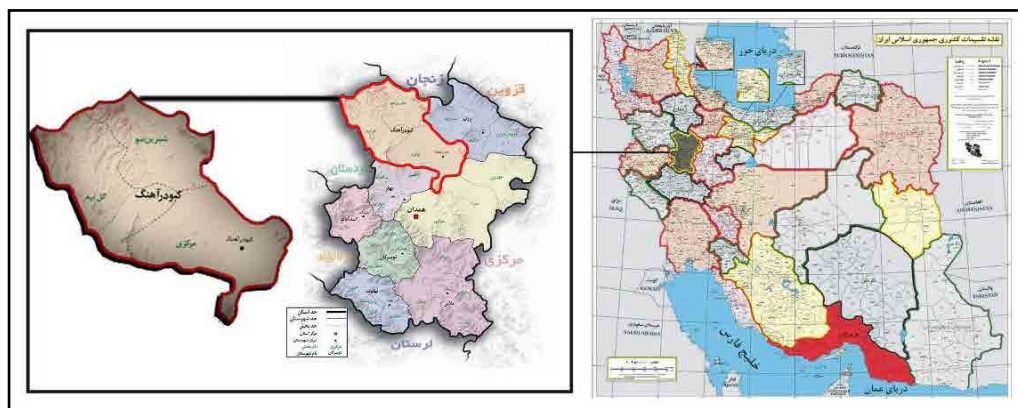
دشت کبودرآهنگ برای نخستین بار با طرح پژوهشی «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش‌های

مرکزی و گل‌تپه شهرستان کبودرآهنگ» (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶) و سپس بخش تکمیلی آن با عنوان: «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش شیرین‌سو» (بلمکی، ۱۳۸۷) مطالعه و آثار فرهنگی آن شناسایی شده است. در پس این مطالعات، دستاورد بررسی‌های یادشده، انتشار چند مقاله در همایش‌ها و نشریات علمی بوده است. پژوهش‌هایی درخصوص «شناخت تحولات و الگوهای استقرار عصر مس‌وسنگ دشت همدان» (بلمکی، ۱۳۹۴؛ تاجبخش و بلمکی، ۱۳۹۳)، «تحلیل و نگرشی بر استقرارهای دوره مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ (مبتنی بر پروژه بررسی باستان‌شناختی شهرستان کبودرآهنگ)» (بیک‌محمدی و نظری‌ارشد، ۱۳۹۶) ازجمله آن‌ها است که عمدتاً معطوف به استقرارهای پیش‌اتاریخ و ادوار مس‌وسنگ این ناحیه بوده است. در رابطه با پیشینه فرهنگی و تاریخی شهرستان کبودرآهنگ اسناد و منابع مکتوب چندانی وجود ندارد با این‌وجود در برخی مدارک نوشتاری متأخر، اشاراتی به کبودرآهنگ و تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن شده است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نوشتار مربوط به شرح حال و بررسی اوضاع سیاسی دوره قاجار و زمام‌داری حاکمان محلی همدان در منطقه که توسط «عین‌السلطنه» (خاطرات قهرمان میرزا عین‌السلطنه (سالور، ۱۳۲۴-۱۲۵۰ ه.ش.) به‌کتابت درآمده، اشاره کرد. عین‌السلطنه، برادرزاده ناصرالدین‌شاه قاجار و زاده همدان بوده و به‌عنوان مالک کوريجان (از توابع کبودرآهنگ)، سال‌ها در این ناحیه حضور داشته و با خوانین محلی ارتباطات تنگاتنگی داشته است که به اجمال، به نسب‌شناسی خوانین و حضور آن‌ها در جای‌جای همدان عهد ناصری، عهد مظفرالدین‌شاه و ذکر برخی وقایع سلطنت محمدعلی‌شاه، اخبار و حوادث و اطلاعات دوره سلطنت احمدشاه و نهایتاً تغییر سلطنت قاجار به پهلوی پرداخته و شرحی جامع از اقدامات و ارتباطات سیاسی حاکمان و خوانین محلی همدان و کبودرآهنگ (ازجمله قراگزلوها) با دربار قاجار و پهلوی را ارائه داده است (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: سالور و افشار، ۱۳۷۴)؛ هم‌چنین در چند دهه اخیر، با محوریت کبودرآهنگ، کتب مختلفی منتشر شده است که این آثار نیز بدون درنظر داشتن بررسی‌های باستان‌شناختی و تحولات استقرارهای انسانی (ادوار تاریخی)، بیشتر با رویکرد مردم‌شناسانه و عمدتاً معطوف به تحولات سیاسی و اجتماعی دوران قاجار و پهلوی، به‌نگارش درآمده‌اند (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: چایانی، ۱۳۹۰؛ جعفری، ۱۳۹۴).

جغرافیای کبودرآهنگ

شهرستان کبودرآهنگ با مساحت حدود ۷۵۰ کیلومتر مربع وسعت و با ارتفاع ۱۶۷۵ متر از سطح آب‌های آزاد در استان همدان، در ۷۲ کیلومتری شمال‌شرقی شهر همدان، واقع شده و از شمال به شهرستان خدابنده در استان زنجان، از شرق به شهرستان رزن، از غرب و جنوب‌غربی به بخش سیمینه‌رود در شهرستان همدان و از شمال‌غربی به شهرستان بیجار و قروه در استان کردستان، محدود می‌گردد. دشت کبودرآهنگ با گستردگی در جهت شمال‌غربی-جنوب‌شرقی، نزدیک به ۵۰ کیلومتر درازا دارد (چایانی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸)، (نقشه ۱). این دشت از نظر زمین‌شناسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. این منطقه در محور شرقی-غربی، بین ارتفاعات آوج در دشت رزن و الوند در دشت همدان قرار دارد که از نگاه زمین‌ریخت‌شناسی، تغییرات اشکال فیزیوگرافیک استان از قله بلند الوند ۳۵۸۰ متر تا نواحی دشت‌گونه و کم‌ارتفاع دشت رزن در آن مشهود است. به‌همین‌رو شبکه آب‌های سطحی استان به دو حوضه دریاچه قم و خلیج فارس تخلیه می‌شوند. از نظر اقلیمی و زیستی، استان همدان در فصل مشترک چند قلمروی متفاوت قرار گرفته، به‌طوری‌که در یک روند جنوب‌غرب به شمال‌شرق، پهنه‌های زیادی این منطقه را پوشش داده‌اند که از پهنه‌های مرتبط با دشت کبودرآهنگ می‌توان به موارد پیش‌رو اشاره کرد. دشت کبودرآهنگ از منظر آب‌وهوا، معمولاً دارای زمستانی سرد و با درجه حرارت پایین، حتی در مواردی تا بیش از ۲۵ درجه سانتی‌گراد زیرصفر و تابستانی اغلب خنک و بیلاقی است. نزولات جوی اغلب به‌صورت برف است که به‌طور متوسط حدود ۳۰۰ میلی‌متر است. این

منطقه دارای بیلان آبی نسبتاً متعادل و منابع آبی آن نسبتاً غنی می باشد. حاصلخیزترین منابع خاک از نظر تشکیل و تکامل، مناسب ترین منابع گیاهی از نظر مرتع داری و پرورش دام و بالاخره مستعدترین منطقه برای تولید محصولات استراتژی، چون غلات به همین منطقه استپی مربوط می شود (قبادیان، ۱۳۶۹: ۱۳-۱۲). دشت کبودرآهنگ به علت وضع طبیعی خاص خود در معرض وزش بادهای مختلف است. بادهای این منطقه را می توان به دو دسته بادهای محلی و بادهای اقلیمی تقسیم کرد. بادهای محلی، که به لحاظ وجود دشت ها در مجاورت مناطق کوهستانی و از طریق درجه حرارت و اختلاف فشار بین جلگه ها و ارتفاعات به وجود می آید در همه فصول به خصوص در تابستان و پاییز می وزد و شدت چندانی ندارد. اما بادهای اقلیمی که وزش آن ها با پهنه عظیمی بخش زیادی از فلات ایران و بخش هایی از خاورمیانه را فرا می گیرد، طبعاً این ناحیه را نیز تحت تأثیر قرار می دهد (مهندسین مشاور گنو، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۰). در بحث مرتبط با خاک شناسی، برای مطالعه بیشتر علل شکل گیری و تأثیر آن ها در اقلیم یک ناحیه جغرافیایی، رژیم های رطوبتی خاک نقش قابل توجهی در تشکیل و تکامل خاک و در نتیجه قابلیت کشت محصولات کشاورزی دارد. رژیم رطوبتی مربوط به ناحیه شرق و شمال شرقی استان همدان، زریک است که مخصوص مناطقی است که دارای تابستان های گرم و نیمه خشک و زمستان های مرطوب است (تقریباً اقلیم مدیترانه ای). ذخیره غذایی موجود در خاک های این ناحیه، قابل توجه است و توانایی کشت انواع محصولات زراعی را دارا می باشد (مبین، ۱۳۴۳: ۸۲-۱۴۱). بیشترین سهم اقلیمی منطقه، مربوط به استپ های کوهستانی است و این اقلیم، حدود وسیعی از استان های کردستان، کرمانشاه، لرستان و همدان را دربر می گیرد. این استپ، از نوع استپ علفی می باشد و از نظر توزیع املاح محلول در ستون خاکی، دارای شرایط متعادل و مناسبی است؛ اما از یک طرف، چون در محاصره شرایط نامساعد خشک و کویری قرار دارد، به همین دلیل منطقه استپی به استپ علفی مناسب تا استپ خشک تقسیم می گردد و از طریق حوزه خشک و نامساعد هم جوار به طور مداوم به تخریب تهدید می شود، لذا منطقه استپی، خود در مقابل بهره برداری های بی رویه به شدت حساس است و در عین برخورداری از قدرت بازسازی مساعد، با بالا رفتن درجه خشکی درحد استپ نیمه خشک، احتمال بروز تخریب در آن زیاد بوده و می تواند به سرعت ظاهر شده و حوزه وسیعی از استپ را در اندک زمان دربرگیرد (قبادیان، ۱۳۶۹: ۱۶). دشت کبودرآهنگ دارای یک تالاب با نام «شیرن سو» است که به فاصله حدود ۴۰ کیلومتری شمال غربی مرکز شهرستان کبودرآهنگ قرار دارد و با تنوع اکولوژیک بالای خود بستری مناسب جهت حضور آبزیان و پرندگان بومی و مهاجر ایجاد کرده که از منابع آبی سطحی این دشت نیز به شمار می آید (تصویر ۱). عمده رودخانه های دشت کبودرآهنگ در حال حاضر فصلی بوده و در تابستان دارای آب بسیار کم و گاهی فاقد آب است. برخی این رودخانه ها عبارتند از: رود تالوار، رود قره چای، رود شاه آب.



نقشه ۱. موقعیت شهرستان کبودرآهنگ در تقسیمات جغرافیایی استان همدان و ایران (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۱. نمایی از تالاب شیرین سو در دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

ماهیت تاریخی و وجه تسمیه کبودرآهنگ

تا اواخر دوره قاجاریه از کبودرآهنگ و چند آبادی اطراف آن به دلیل اسکان قراگزلوها با عنوان «بلوک حاجیلو» یاد شده است و نامی از «کبودرآهنگ» به چشم نمی خورد؛ به طوری که ناصرالدین شاه قاجار در سفرنامه عتبات خود، از این نواحی با نام «بلوک حاجیلو» یاد کرده است. «حمدالله مستوفی» در قرن هفتم هجری قمری، همدان را دارای ۵ ناحیه، مشتمل بر ۲۱۲ آبادی می داند که ناحیه دوم آن به نام «ازماوین»، دارای ۴۱ آبادی و روستا بود که از آن جمله به آبادی های: روداقباد، تبعاباد، کردآباد، مارمهان و مامسین (فامنین) اشاره و در منابع دیگر نیز تنها به تعدادی از آبادی های اطراف کبودرآهنگ مانند: داق داق آباد، روعان و کردآباد که قدمتی بیش از ۷۰۰ سال دارند، برمی خوریم. «قراگزلوها» از اولین ساکنان مهم این اراضی بودند که با اسکان آن ها، این محل شکل آبادی به خود گرفت. این طایفه که ابتدا با دام داری امرار معاش می کردند، این محل را چراگاه مناسبی برای دام های خود یافته و در این دیار سکنی گزیدند. «عبدالله خان قراگزلو» در یادداشت های خود می نویسد: «جداعلای ایشان قرامحمدخان در ابتدای دوره صفویه وارد این منطقه شده، در محل روستای طاسران فعلی ماندگار گردیده و فرزندانش در طول سال ها اقامت در منطقه، آبادی های بسیاری را بنا نموده اند...» (جعفری، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۳). کبودرآهنگ پیش تر چمن زاری بزرگ و وسیع بوده با آب های زیرزمینی فراوان که از طریق کندن کاریز و قنات، آب ها را به سطح زمین می رسانیده اند. پنج مورد از بزرگ ترین چشمه های موجود در این ناحیه عبارتند از: بیزینج، سازجین، جهرآباد، سادلج و راهنگ. البته زمین هایی را که هر یک از این چشمه ها آبیاری می کرده اند، امروز نیز به همین نام معروف هستند. چشمه راهنگ از همه بزرگ تر و پرآب تر بوده که نام کبودرآهنگ نیز از آن گرفته شده است و این نام گذاری به دلیل آن بوده که گل این منطقه متمایل به رنگ کبود بوده و آب جاری در این منطقه نیز به رنگ کبود جلوه می نمود، از این رو آن را کبودرآهنگ نامیده اند. در نوشته های «یاقوت حموی» این منطقه به نام «کلکبود» نامیده شده است. در زبان محلی «کورنگ» که همان «گوی راهنگ» که گوی به معنی «کبود» و «راهنگ» برگرفته از چشمه راهنگ می باشد (چایانی، ۱۳۹۰: ۱۶).

عین السلطنه در معرفی کبودرآهنگ چنین آورده است: «...کبودرآهنگ قصبه بزرگی است که مرکز این دهات واقع شده. بازار، دکان، همه چیز دارد. حاجی های معتبر دارد که تجارت قالی می کنند و قالی کبودرآهنگ بسیار ممتاز می شود. سنوات سابق که قالی رواج داشت روزی سی-چهل

هزار تومان در کبودرآهنگ معاملات قالی می‌شد که امروزه از آن رونق افتاده است... مرحوم حاجی امیرنظام چندان مکتبی از پدر نداشت. لکن به واسطه لیاقت و جدیت و هنرمندی که داشت هنگام موت یکی از متمولین ما محسوب می‌گردید که دارای همه چیز بود. گفتند هنگام موت یکصد و بیست پارچه ده و دهکده و قراء در همدان و عراق و خمسه از خود باقی گذاشت، با دوازده هزار خروار غله که خرواری پنجاه تومان قیمت داشت و شصت هزار لیره [می‌شد]. آن چه من خبر دارم در بانک‌ها و تجارتخانه‌های زردشتی‌ها مبلغ گزافی به ودیعه گذاشته بود و این‌ها سوای پول زرد و جواهر و قالی و قالیچه و اشیاء عتیقه، عمارت باغ و مخلفه بی حساب بود...» (روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۱۰، ص: ۷۷۷۷؛ سالور و افشار، ۱۳۷۴: ۶۱۴۳-۶۱۴۷).

آن چه از این منابع مشخص می‌شود، تا پیش از دوره صفوی اطلاعات جامعی از شهرستان کبودرآهنگ وجود ندارد و این ناحیه بعد از دوره یادشده است که مورد توجه طوایف قراقرلوها واقع گردیده و آغاز حیات تاریخی آن به حضور خوانین قراقرلو بالأخص از دوره قاجار بازمی‌گردد که در مناسبات درباری دوران قاجار و پهلوی نیز تأثیرگذار بوده‌اند؛ تا جایی که امیرنظام قراقرلو، به مناسبت عروسی «محمدرضا شاه پهلوی» با «فوزیه»، جشن بسیار مجللی در همدان و کبودرآهنگ برگزار کرده است (جعفری، ۱۳۹۵: ۶۹).

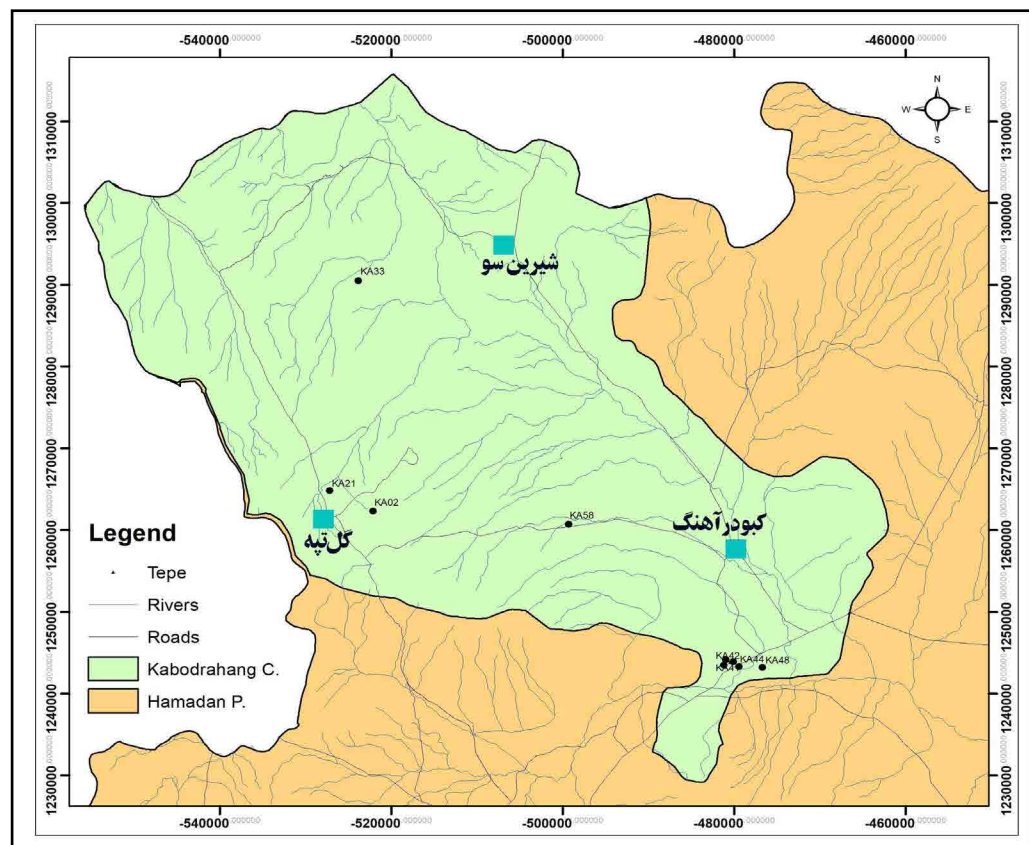
استقرارها و محوطه‌های دشت کبودرآهنگ

همان گونه که در مقدمه نیز اشاره شد، دشت کبودرآهنگ برای نخستین بار با طرح پژوهشی «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل تپه و مرکزی شهرستان کبودرآهنگ» (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶) در دو مرحله مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت که در مرحله اول (تابستان ۱۳۸۶) ۶۰ اثر و در مرحله دوم (پاییز ۱۳۸۶) ۸۰ اثر باستانی شناسایی گردید. براین اساس، در بررسی منطقه در فصل نخست، برای هر محوطه یک شماره کدمحل پس از حرف «KA» که برگرفته از نام «کبودرآهنگ» است، در نظر گرفته شد؛ به طوری که پس از پایان عملیات بررسی و شناسایی در فصل اول تعداد ۶۰ کد و در فصل دوم ۸۰ کد (در مجموع دو فصل، ۱۴۰ کد) برای کلیه آثار شناسایی شده، اختصاص یافت. این آثار، شامل بناهای عام‌المنفعه نظیر: حمام، پل، گورستان، قلعه‌های کوهستانی و دشت‌گونه با مصالح سنگ و خشتی با کاربردهای مسکونی و حکومتی، غار، نقوش صخره‌ای و سایر موارد به صورت تپه‌های باستانی از دوره مس‌وسنگ قدیم تا دوره پهلوی را دربر داشته است. در بیشتر این تپه‌های باستانی، چندین دوره استقرار به صورت متوالی وجود داشته است (نقشه ۲-۴، جدول ۱). در ادامه، اطلاعاتی در مورد گونه‌شناسی انواع محوطه‌ها و تپه‌های باستانی دشت کبودرآهنگ براساس دوره و فرهنگ‌های باستان‌شناختی رایج در آن ارائه خواهد شد.

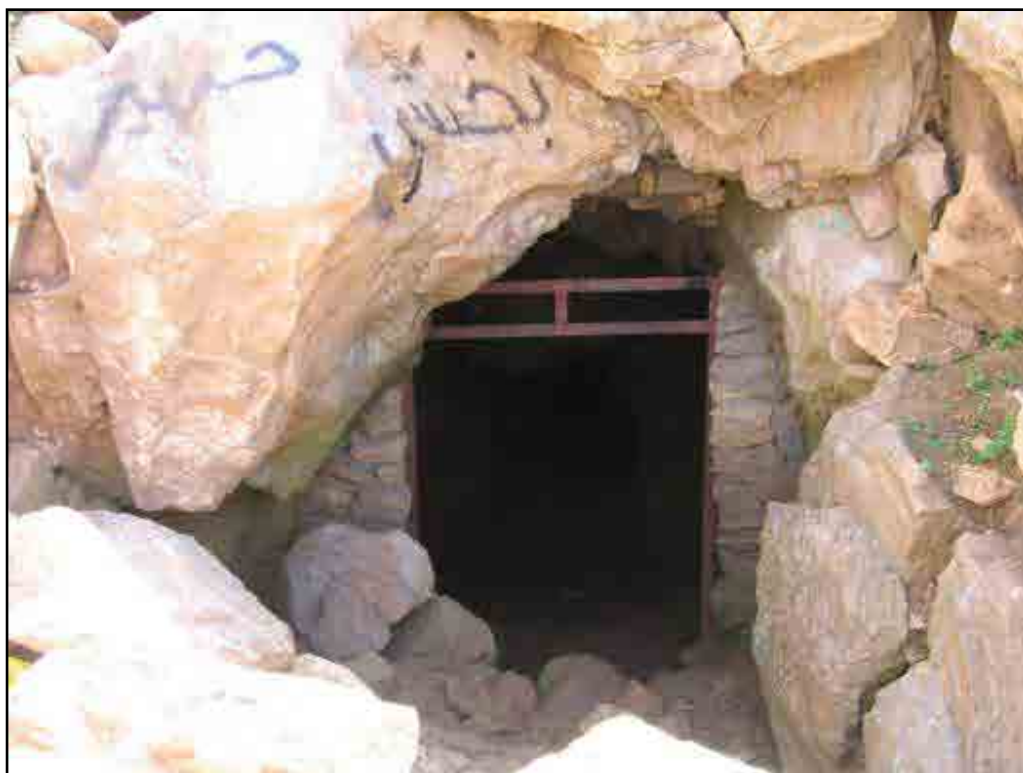
۱. استقرارهای پیش از تاریخ

عصر مس‌وسنگ: قدیمی‌ترین آثار و فرهنگ‌های رایج شناسایی شده از دشت کبودرآهنگ متعلق به ادوار مس‌وسنگ است که در این میان، از ۱۳ محوطه، آثار دوره مذکور شناسایی شده است. تحولات فرهنگی دوره مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ از محوطه‌های غار سراب، تپه دیوونه، تپه آلان علیا، تپه شیخ جراح، حسن تپه، تپه بزرگ (ئیوک تپه)، تپه گود، گوجه تپه، تپه امام‌زاده ویان، شعبان تپه، تپه چاه، تپه عین‌آباد، چخماق تپه، شناسایی شده و قابل مطالعه هستند (جدول ۱، نقشه ۲). هم‌چنین تنها غار شناسایی شده در این دشت، «غار سراب» است. این غار در ارتفاع ۲۲۳۶ متر از سطح دریا قرار دارد. جهت دهانه غار رو به شمال بوده و یک چشمه در زیر دهانه آن، از کوه برون‌زد دارد. محوطه در بستر طبیعی کوه قرار گرفته و هم‌سطح سایر عوارض طبیعی است (تصویر ۲). آثار و بقایای باستان‌شناختی این غار را سفال‌های دوره مس‌وسنگ قدیم در طیفی از نارنجی، نخودی

نارنجی، نخودی و نخودی مایل به خاکستری، قهوه‌ای و پوشش رقیق نخودی، سفال‌های موسوم به سینی پوست‌کنی قابل مقایسه با نمونه‌های گودین و تپه تازه‌کند (بلمکی، ۱۳۹۴) و ابزار سنگی تشکیل می‌دهد. نمونه این ابزارها به شکل ابزارهای دوزنقه‌ای دوره مس‌وسنگ قدیم و میانی و موارد دیگر به شکل تراشه‌ایزار است (تصویر ۳). آثار مربوط به دوره مس‌وسنگ قدیم از چهار محوطه شناسایی شده است. آثار مس‌وسنگ میانی از ۱۰ محوطه و مس‌وسنگ جدید از ۱۱ محوطه شناسایی شده است. پراکنش محوطه‌های مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ در تمام نواحی آن به چشم می‌خورد و در یک نگاه اجمالی، ویژگی‌های محوطه‌های مس‌وسنگ این منطقه را می‌توان چنین تفسیر کرد: ۴۲٪ استقرارهای مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ دارای وسعتی کم‌تر از یک هکتار، ۱۲٪ استقرارها دارای وسعتی بین نیم تا یک هکتار و ۴۶٪ استقرارها دارای وسعتی بیش از یک هکتار هستند (جدول ۱ و نقشه ۲). در مجموع، محوطه‌های این دشت را روستاهای کوچک و بزرگ به خود اختصاص داده‌اند که با فاصله‌ای مشخص و معنادار در دشت کبودرآهنگ توزیع یافته‌اند. بیشترین تمرکز و تجمع استقرارها در نواحی جنوبی این دشت، جایی که از منظر فضایی در ارتفاع متوسط حدود ۱۶۵۰ متر از سطح آب‌های آزاد و نزدیک‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین راه به دشت همدان و راه‌های مواصلاتی به محوطه‌های شاخص زاگرس مرکزی مانند: گودین، گیان و گوران را دارد، توزیع یافته است. مس‌وسنگ قدیم دشت کبودرآهنگ قابل مقایسه با گودین XI و X و فرهنگ شاخص دوره مس‌وسنگ قدیم در شرق زاگرس مرکزی، فاز شهرن‌آباد است (Levine, 1975). آثار مرتبط با دوره مس‌وسنگ میانی قابل مقایسه با گونه‌های شاخص سفالی این دوره (دالما و سه‌گابی)، (Young, 1963: 38-39) و قابل مقایسه با دوره گودین VIII و IX از نوع سفال‌های پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای متمایل به قرمز است و در نهایت آثار مس‌وسنگ جدید این ناحیه قابل مقایسه با یافته‌های فرهنگی تپه‌های سه‌گابی، گیان و گودین



نقشه ۲. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوره مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ (نگارندگان، ۱۳۹۶).



تصویر ۲. نمای غار سراب (نظری ارشد، ۱۳۸۶).



تصویر ۳. نمونه سفال‌های با پوشش گلی غلیظ و ابزارسنگی‌های مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

است. این دوره فرهنگی در زاگرس مرکزی تحت عنوان دو مجموعه عمده از مواد فرهنگی شاخص این دوره با نام گودین VII (فاز حسین آباد) و گودین VI (فاز چشمه‌نوش) معرفی شده است (Levine & Young, 1986: 33).

عصر مفرغ: آثار عصر مفرغ دشت کبودرآهنگ در ۱۶ استقرار و از محوطه‌های تپه کوریجان، تپه دیوونه II، تپه بزرگ، تپه گود، گوجه تپه، تپه عین آباد، تپه عین آباد I، تپه شهرک ویان، تپه شاهه III، تپه متروک II، تپه متروک I، ساری تپه، تپه دستجرد I، تپه اکنلو III، چهارطاق تپه، و چخماق تپه شناسایی شده است (نقشه ۳، جدول ۱). این دوره در زاگرس مرکزی با سفال‌های نوع گودین IV (مفرغ قدیم) و فازهای گودین III هم‌افق با مفرغ میانی و جدید شناسایی و معرفی شده است (Young, 1967). از گونه‌های سفال عصر مفرغ قدیم دشت کبودرآهنگ می‌توان به سفال‌های خاکستری-سیاه یانیقی، سفال‌های دسته نخجوانی و سفال‌های نخودی منقوش مفرغ میانی و جدید، مشابه با نوع گودین III اشاره کرد (Henrickson, 1986). باید در نظر داشت که گودین III خود به فازهای III:5، III:6 و III:4 تحت عنوان دوره مفرغ میانی و فازهای III:2، III:3 و III:1 دوره جدید عصر مفرغ

تقسیم می‌شود (هنریکسون، ۱۳۸۲: ۴۴۷-۴۰۵). سفال‌های مفرغ میانی دشت کبودرآهنگ مرتبط با سنت‌های سفالی فاز 5:III تپه گودین (Henrickson, 1984: 435-573) و سفال‌های مفرغ جدید نیز مشابه سفال‌های فاز 2:III گودین تپه (Henrickson, 1984: 685-692) و تپه گیان در طبقات IV تا II (مقیم، ۱۳۹۵: ۱۸۴-۱۷۸) هستند. از ویژگی‌های مهم سفال‌های عصر مفرغ دشت مذکور می‌توان به نقوش لوزی یا طرح جناقی و نواری از لوزی‌های توپُر و یا هاشوردار با رنگ قرمز بر زمینهٔ نخودی، نقش‌های برجسته و... اشاره کرد (تصویر ۴). از منظر توزیع فضایی، در تمامی نقاط دشت کبودرآهنگ پراکنش فرهنگ‌های عصر مفرغ به چشم می‌خورد، اما به مانند دورهٔ مس و سنگ بیشتر محوطه‌ها در نواحی جنوبی دشت تمرکز یافته‌اند؛ چراکه فرهنگ‌های عصر مفرغ این ناحیه عمدتاً بر روی آثار مس و سنگ جدید و در همان محوطه تداوم داشته و تنها در سه محوطه است که آغاز استقرار در آن از دورهٔ مفرغ بوده و آثاری قدیمی‌تر از این دوره در آن وجود نداشته است.

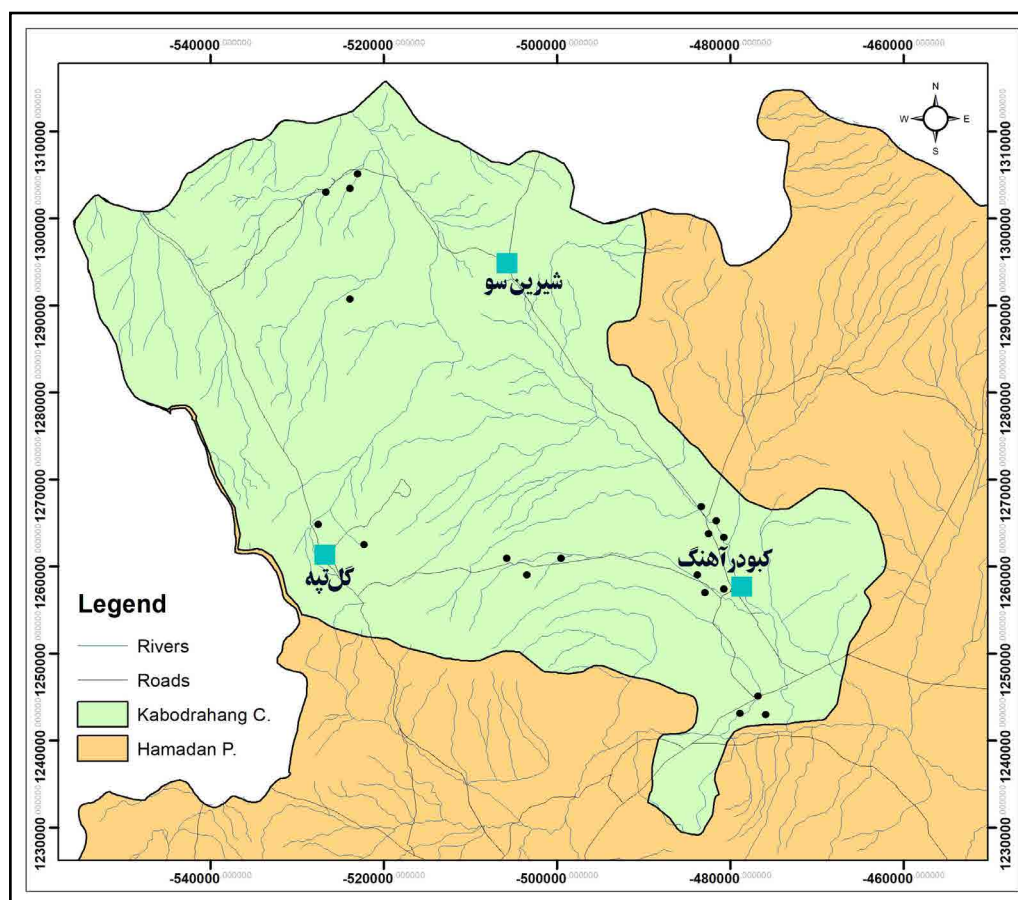


تصویر ۴. نمونه سفال‌های عصر مفرغ کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶).

عصر آهن: آثار عصر آهن در دشت کبودرآهنگ محدود و تنها از ۵ استقرار از محوطه‌های تپه دیوونه II، تپه انجیر باغی II، تپه شاه III، تپه متروک I و تپه دستجرد I شناسایی شده است (نقشه ۳، جدول ۱). گونه‌های شاخص فرهنگی عصر آهن این دشت با سفال‌های خاکستری، سفال نخودی و قبرستان‌های مختص عصر آهن شناخته می‌شود. نمونه سفال‌های عصر آهن دشت کبودرآهنگ قابل مقایسه با گودین II و I و طبقه I تپه گیان است (Young & Levine, 1974; Gopnik, 2011: 361).

۲. دوران تاریخی

دوران اشکانی و ساسانی: آثار دوران تاریخی دشت کبودرآهنگ از ۱۰۶ استقرار شناسایی شده که می‌توان بیشتر با دوران اشکانی و ساسانی مرتبط دانست. با توجه به سطحی بودن آثار شناسایی شده و فقدان نمونه‌های شاخص ادوار مختلف تاریخی مانند ماد (آهن III) و هخامنشی، براساس نمونه



نقشه ۳. موقعیت و پراکنش استقرارهای عصر مفرغ و آهن (نگارندگان، ۱۳۹۶).

سفال‌های دوران تاریخی، فقط می‌توان با قطعیت سفال‌های جیلینگی و نمونه سفال‌های خمره‌های اشکانی و ساسانی را در بین یافته‌های سفالی تمیز و تشخیص داد که نمونه‌های مختلف آن از سایر محوطه‌های تاریخی دوران اشکانی و ساسانی منطقه همدان نیز شناسایی شده است (تصویر ۵). از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناختی متعلق به دوران تاریخی در این منطقه، آثار معماری و خشت است که در برخی از محوطه‌ها به دلیل حفاری غیرمجاز و فرسایش تپه برون زد دارند (تصویر ۶). از آثار شاخص این دوران باید به مجموعه آثار نقوش صخره‌ای با نام «ابدال طاقچه‌سی» (تصویر ۷) اشاره کرد که براساس تنوع نقوش و مشابهت آن با برخی دیگر از آثار نقوش صخره‌ای استان همدان مانند «ارگس سفلی» در ملایر (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۱) به دوره اشکانی منسوب می‌گردد. مجموعه آثار محوطه تاریخی «قلعه جوق» نیز از شاخص‌ترین قلعه‌های (نیایشگاه؟) اشکانی- ساسانی (?) در دشت کبودرآهنگ است. آثار و مواد فرهنگی موجود در جای جای این محوطه، طیفی از دوره اشکانی تا قرون میانه اسلامی را دربر می‌گیرد. وجود حجم وسیعی از آثار در سطح گسترده‌ای از منطقه و هم‌چنین تنوع آثار و غنای داده‌های باستان‌شناختی مجموعه از جمله استودان‌های دستکند صخره‌ای با پیچیدگی‌های معماری منحصربه‌فرد (حفره‌های سنگی در دیوار صخره و در کف صخره)، مجموعه بناهای محوطه استقرار، گورستان تاریخی، برج سنگی (برج خاموشان)، بیان‌گر محوطه استقرار با کارکرد مذهبی (?) نسبتاً وسیع است (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: محمدی و رضایی، ۱۳۹۶).

دشت کبودرآهنگ از لحاظ زمین‌ریخت‌شناسی، به صورت دشتی میان‌کوهی در بین ارتفاعات کم‌وبیش مرتفع زاگرس مرکزی گسترده شده است که خود به دو واحد عمده توپوگرافی قابل تقسیم



تصویر ۵. نمونه سفال‌های دوران تاریخی دشت کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶).



تصویر ۶. نمونه خشت‌های دوره تاریخی (اشکانی) دشت کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶).

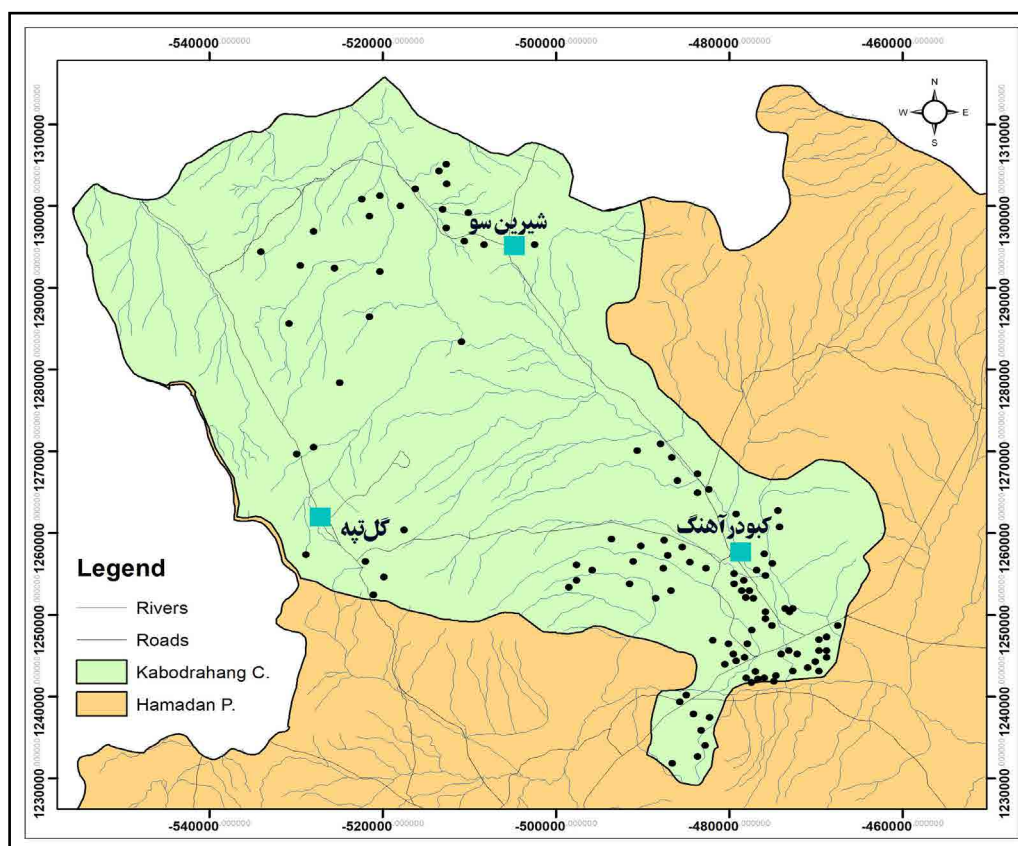


تصویر ۷. نمونه نقوش حیوانی مجموعه نقوش صخره‌ای ابدال طاقچه‌سی دشت کبودرآهنگ (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶).

است که عبارتند از: واحد کوهستانی و ارتفاعات و واحد دشت گونه و زمین های نسبتاً پست (نقشه ۱). دشت کبودرآهنگ بین ۱۶۰۰ تا ۲۵۰۰ متر نوسان ارتفاع دارد. این چین خوردگی ها (پستی و بلندی ها) بستر اولیه استقرار در محوطه های باستانی را تشکیل داده است. در ارتفاعات و کوهستان های منطقه، دره های میان کوهی بسیاری در نواحی شمالی وجود دارد که برخی از روستاهای امروزی شهرستان کبودرآهنگ در آن به صورت خطی گسترده شده اند. مهم ترین مجموعه استقرارهای (بالای یک هکتار) تاریخی دشت کبودرآهنگ در ارتفاعات ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا توزیع یافته و الگوی معیشتی کشاورزی را دارا بوده است. هم چنین خرده محوطه های اقماری کوچک (زیر یک هکتار) نیز که نشان از وابستگی به مراتع و دامنه های کوهستانی و دره های میان کوهی با ارتفاع ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر از سطح آب های آزاد داشته (نقشه ۴)، از الگوی معیشتی رهمه داری برخوردار بوده و به مانند سایر محوطه های باستانی برخی از دشت های استان همدان مانند دشت تویسرکان و... (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: بیک محمدی و نظری ارشد، ۱۳۹۶) توزیع و پراکنش دارند و عمدتاً در نواحی شمالی دشت کبودرآهنگ واقع شده اند.

۳. دوران اسلامی

آثار دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ از ۱۲۵ استقرار و از ادوار مختلف قرون اولیه، میانی و متأخر شناسایی شده است و گونه های مختلف آثاری مانند: حمام، پل، گورستان، قلعه ها و تپه های باستانی را دربر دارد (نقشه ۵، جدول ۱). مبنای گاهنگاری آثار دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ به واسطه معماری و سفال صورت گرفته است. گونه های مختلف سفال دوران اسلامی مکشوف از محوطه های دشت کبودرآهنگ را انواع سفال های ساده و بدون نقش، لعاب دار (شامل:



نقشه ۴. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوران تاریخی دشت کبودرآهنگ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

فیروزه قلم‌مشکی، آبی و سفید، سفال‌های سبک سلطان‌آباد، سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده به رنگ آبی و سبز، سفال‌های با تکنیک نقاشی زیرلعاب، اسگرافیاتو، سفال‌های بدون لعاب با نقش کنده، افزوده و قالب‌زده به خود اختصاص داده است (تصویر ۸). تراکم سفال در اکثر محوطه‌های اسلامی دشت کبودرآهنگ چشم‌گیر بوده و بیشتر داده‌های سفالی سطحی را قطعات بدنه و لبه تشکیل داده‌اند. برآیند مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ نشان‌گر آن است که این دشت در همه ادوار مختلف اسلامی موردتوجه بوده؛ چراکه با توجه به انواع سفال‌های شناخته‌شده از قرون اولیه تا متأخر، می‌توان نشانه‌هایی از تداوم استقرار در منطقه در ادوار یادشده را مشاهده نمود. سفال‌های دوران مختلف اسلامی از کاوش‌های ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵)، بررسی باستان‌شناختی تویسرکان (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱)، بررسی باستان‌شناختی دشت ملایر، بخش‌های مرکزی و جوکار (نظری‌ارشد، ۱۳۸۶)، بررسی باستان‌شناختی بخش زند دشت ملایر (جانجان، ۱۳۹۱)، مطالعات تعیین عرصه و حریم محوطه هگمتانه (هژبری، ۱۳۸۹)، محله دوخواهران نهاوند (رهبر، ۱۳۹۱ الف)، کاروانسرای ایلخانی بیستون (رهبر، ۱۳۹۱ ب) و... به دست آمده که قابل مقایسه با سفال‌های دوران اسلامی مکشوف از دشت کبودرآهنگ هستند.

از منظر توزیع فضایی، در تمامی نقاط دشت کبودرآهنگ پراکنش استقرارهای ادوار مختلف قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی به چشم می‌خورد. دلیل آن نیز پیشرفت فناوری در احداث قنات و مدیریت منابع آب (آب‌های سطحی و زیرزمینی) و در نتیجه، انجام کشاورزی دیم و آبی، حضور عشایر در جای جای دشت و استفاده از این نواحی به عنوان بیلاق و قرارگیری این دشت در مسیر ارتباطی شاه‌راه خراسان بزرگ است.

قرون اولیه اسلامی: آثار قرون اولیه اسلامی دشت کبودرآهنگ از ۱۰۵ استقرار شناسایی شده است. تعداد بی‌شماری سفال ساده از بیشتر محوطه‌های دشت به دست آمده است. این گونه سفال‌ها از نظر شکل و نوع کاربست، تداوم سنت‌های رایج در دوره ساسانی را نشان می‌دهند. در بیشتر نمونه‌ها تشخیص سفال‌های ساسانی از اوایل دوران اسلامی اندکی دشوار است. سفال‌های لعاب‌دار دوران اسلامی را انواع سفال‌های اسگرافیاتو، لعاب پاشیده، گلابه‌ای و... تشکیل داده است. سفال‌های منقوش بدون لعاب از نوع نقش کنده خطی، نقش افزوده و قالب‌زده هستند که متعلق به قرون نخستین اسلامی بوده و برخی از این شیوه‌های تزئینی نیز ادامه روش‌های تزئینی عهد ساسانی است و شماری از آن‌ها را نیز می‌توان از نوآوری‌های سفالگران دوران اسلامی دانست.

قرون میانه اسلامی: آثار قرون میانی اسلام دشت کبودرآهنگ از ۱۰۱ استقرار شناسایی شده است. شاخص‌ترین آثار قرون میانه اسلامی دشت کبودرآهنگ را انواع سفال‌های دوران سلجوقی، ایلخانی و تیموری تشکیل می‌دهد. از دیگر آثار فرهنگی قرون میانه اسلامی کبودرآهنگ، سنگ‌قبرهای صندوقچه‌ای سلجوقی (تصویر ۹: سمت راست) است که قابل مقایسه با نمونه‌های شناسایی شده از نقاط مختلف همدان است که بیش از ۱۰۰ نمونه آن در موزه هگمتانه نگه‌داری می‌شوند (برای اطلاع بیشتر از سنگ‌قبرهای دوره سلجوقی ر. ک. به: بیک‌محمدی و نظری، ۱۳۹۶: ۹۱-۱۱۶).

قرون متأخر اسلامی: آثار قرون متأخر اسلامی دشت کبودرآهنگ از ۵۷ استقرار شناسایی شده است. از آثار شاخص این ادوار باید از انواع سفال، حمام‌ها، پل، قبرستان‌ها (تصویر ۹: وسط و سمت چپ) و قلاع حصین اربابی و حاکم‌نشین نام‌برد. شاید بتوان مهم‌ترین اثر معماری این دوران را پل آجری کوریجان (برای اطلاع از این پل ر. ک. به: جانجان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳۱-۵۳۲) متعلق به دوره صفوی دانست. قلاع اربابی دشت کبودرآهنگ که از شاخص‌ترین آثار معماری دوران متأخر اسلامی منطقه به شمار می‌روند (تصویر ۱۰)، به مانند سایر قلاع اسلامی استان همدان از گونه قلاع دشتی و گاهی کوهستانی هستند که در قرون متأخر اسلامی به دلیل ضعف حکومت



تصویر ۸. نمونه سفال‌های دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).



تصویر ۹. نمونه سنگ‌قبرهای (سمت راست:) قرون میانی تا (وسط و سمت چپ:) متأخر اسلامی دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

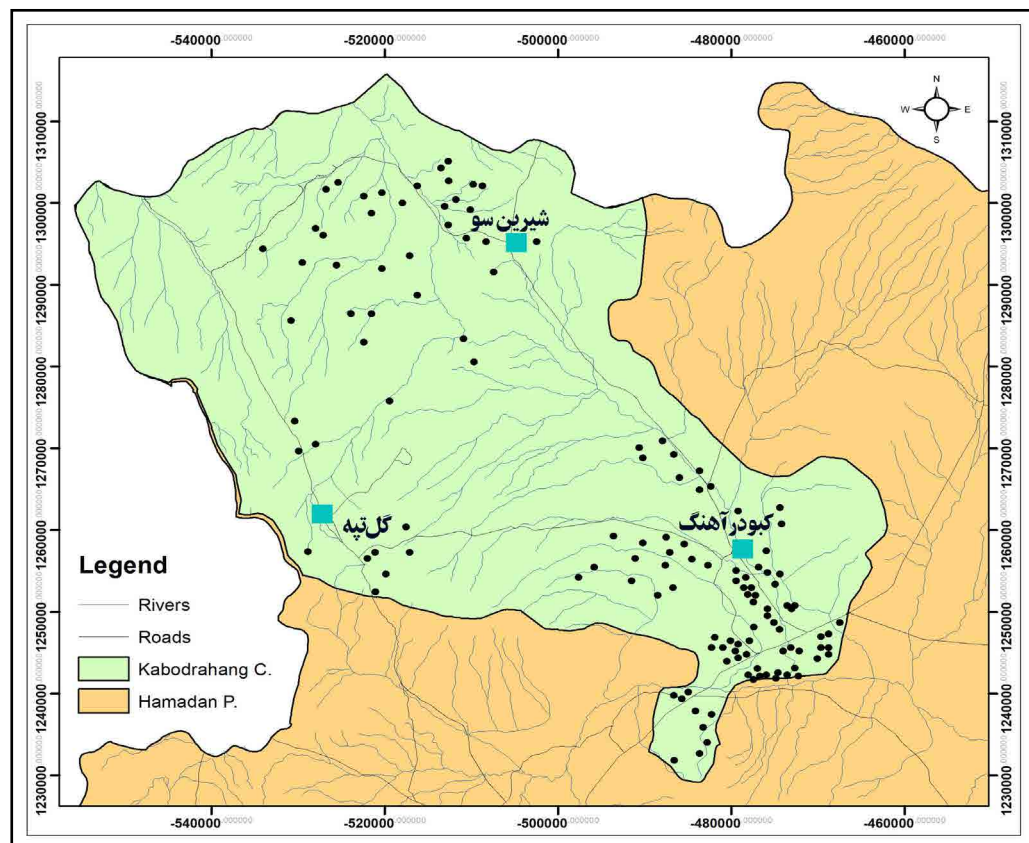


تصویر ۱۰. نمونه قلعه‌های دوران اسلامی متأخر دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

مرکزی و هرج و مرج‌های ناشی از آن، بالأخص در ادوار مختلف قاجار و پهلوی اول و نیز با هدف اقامت و سکونت خوانین محلی و اطرافیان‌شان، احداث شده‌اند. این بناها با کارکردی به‌عنوان مراکز حکومتی و محلی امن، در گذشته همواره مورد توجه بوده‌اند. در ساخت بنای قلعه‌های دشت کبودرآهنگ، هم‌چون تمامی قلاع دشتی و کوهستانی که نمونه‌های آن در دشت همدان (قلعه قصر قجر و امیرافخم شورینی، قلعه اربابی سنگستان و...)، بهار (قلعه یکن‌آباد و...) و...، مشاهده می‌شوند، عوامل نظامی و توان دفاعی بهتر همواره مورد توجه بوده و لذا به‌همین منظور بیشترین این قلاع در دامنه‌ها و پشته‌های طبیعی و بلندی‌ها به جهت اشراف به مناطق پیرامونی احداث شده‌اند. یکی از ویژگی‌های عمده قلعه‌های اربابی دشت کبودرآهنگ، بهره‌گیری از مصالح

بوم‌آورد و ایجاد سازه‌ای برج‌مانند در آن‌ها با کارکردهای متفاوتی چون سکونت و دیده‌بانی بوده است (تصویر ۱۰). این قلاع عمدتاً از خشت، چینه و گاهی آجر ساخته شده‌اند و در پی آن‌ها از سنگ استفاده شده است. تزئینات شاخص قلاع در بخش حاکم‌نشین به‌خصوص در سرستون و پایه‌ستون‌های ایوان شامل گچ‌بری‌ها و در نمای آن، آجرکاری است (برای اطلاع بیشتر از گونه‌ها و ویژگی‌های این نوع قلاع ر. ک. به: محمدی و رضایی: ۱۳۹۹: ۲۳۲-۲۶۵). عمده قلاع قاجاری دشت کبودرآهنگ از آن‌ها خوانین قراغزلو بوده که در سطح این شهرستان، ۱۱ قلعه اربابی به‌جا مانده است که تعدادی از آن‌ها هم‌اکنون قابل سکونت هستند. این قلعه‌ها عبارتند از: قلعه هادی‌خان و قلعه فتح‌سلطان روستای باش‌قورتاران، قلعه یدالله‌خان و قلعه سهراب‌خان روستای ایستی‌بلاغ، قلعه اربابی روستای قادرآباد، قلعه ذوالفقاری روستای وصله، قلعه اربابی روستای عبدالآباد، قلعه اربابی روستای طراقیه، قلعه روستای سراب، قلعه فتح‌السلطنه روستای داق‌داق‌آباد و... (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۸۰). پراکنش و توزیع فضایی این قلاع، عمدتاً در قلمرو و هسته مرکزی تحت حکومت حاکم محلی با کارکردی به‌عنوان مراکز حکومتی و نظارتی در حفظ مایملک و مدیریت منابع اقتصادی ساخته شده که در یک سده اخیر نیز شکل‌گیری روستاهای امروزی دشت کبودرآهنگ در جوار این قلاع حصین صورت پذیرفته است.

عمده قلاع اسلامی دشت کبودرآهنگ، امروزه کاربری خود را از دست داده و به‌دلیل عدم حفاظت مناسب و هم‌چنین نوع مصالح به‌کار رفته در آن (خشت و چینه) تخریب شده و برخی نیز در آستانه تخریب کامل قرار دارند. در این مورد باید از «قلعه امیرنظام» در ناحیه حاجیلو (کبودرآهنگ) بالادست اراضی روستای روغان نام برد که توسط کشاورزان کاملاً تسطیح شده و دیگر اثری از آن باقی نمانده است. تخریب محوطه‌های مختلف قرون متأخر اسلامی محدود به قلعه‌ها نبوده و



نقشه ۵. موقعیت و پراکنش استقرارهای دوران اسلامی دشت کبودرآهنگ (نگارندگان، ۱۳۹۶).

جدول ۱. مشخصات ۱۴۰ محوطه شناسایی شده از بررسی های دشت کبودرآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶).

نام محوطه	کد محوطه	دوره های تاریخی	نوع آثار	نام محوطه	کد محوطه	دوره های تاریخی	نوع آثار
تپه بان	KA.1	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه کردآباد ۷	KA.71	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
محوطه غار سراب	KA.2	مس و سنگ، قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال و ابزار	تپه کردآباد ۶	KA.72	تاریخی (ساسانی؟)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه قلعه جوق	KA.3	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه کردآباد ۷II	KA.73	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
اور تا تپه	KA.4	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه کردآباد ۸III	KA.74	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قبرستان اور تا تپه	KA.5	تاریخی، اسلامی	سفال	قلعه کردآباد	KA.75	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری و سفال
تپه دهکده	KA.6	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	شتر تپه	KA.76	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قبرستان تپه دهکده	KA.7	قرون اولیه و میانی اسلامی	گور و سفال	تپه نورآباد	KA.77	آهن III، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و قرون اولیه، میانی اسلامی	سفال
تپه روستای طریقه	KA.8	تاریخی (ساسانی؟)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه نظرآباد	KA.78	تاریخی (اشکانی و ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه دیوونه I	KA.9	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	حمام داق داق آباد	KA.79	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری
تپه دیوونه II	KA.10	مس و سنگ، مفرغ، آهن، تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه قبرستان نوده	KA.80	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سنگ قبر و سفال
تپه کیوتراخان	KA.11	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه قزل یازو I	KA.81	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه وسط	KA.12	اشکانی، قرون اولیه اسلامی	سفال	تپه قزل یازو II	KA.82	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه قلعه	KA.13	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه روغان (اوشاخلار تپه)	KA.83	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
حمام آق بلاغ مرشد	KA.14	قاجار	معماری	تپه استخر (تپه روغان II)	KA.84	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه دینیاکان	KA.15	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	فولاد تپه I	KA.85	تاریخی (اشکانی و ساسانی)	سفال
تپه قدمگاه جعفر	KA.16	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	فولاد تپه II	KA.86	آهن III، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه خاکستر	KA.17	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه چاه ۲۵	KA.87	آهن، تاریخی (اشکانی و ساسانی) و قرون اولیه اسلامی	سفال
قلعه جگنلو	KA.18	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	تپه چاه ۲۶	KA.88	اشکانی و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه خرابه پیرآباد	KA.19	قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه چاه ۱۳	KA.89	مس و سنگ قدیم و جدید، مفرغ، آهن، اشکانی	سفال
تپه قبرستان آلان	KA.20	متأخر اسلامی	گور و سفال	تپه عین آباد	KA.90	مس و سنگ میانی و جدید، مفرغ قدیم	سفال
تپه آلان علیا	KA.21	مس و سنگ (جدید)، تاریخی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه عین آباد I	KA.91	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	معماری و سفال
تپه زولا	KA.22	قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه عین آباد II	KA.92	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قزلار قلعه سی	KA.23	ساسانی و قرون اولیه اسلامی	معماری و سفال	تپه شهرک ویان	KA.93	مفرغ، تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه خرابه	KA.24	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	حمام کردآباد	KA.94	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری
قلعه طریقه	KA.25	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	طاس تپه	KA.95	تاریخی (اشکانی و ساسانی)	سفال
تپه گزل ابدال	KA.26	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه انجیر باغی I	KA.96	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال
ابدال طاقچه سی	KA.27	نقوش صخره ای (تاریخی؟)	نقوش	تپه انجیر باغی II	KA.97	آهن، تاریخی (اشکانی و ساسانی)	سفال
گورستان انصار	KA.28	متأخر اسلامی	گور و سنگ قبر	تپه دولی	KA.98	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
جیره تپه	KA.29	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال و معماری	تپه احمد آباد	KA.99	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
کنه تپه	KA.30	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	اوش تپه	KA.100	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه قبرستان شیخ جراح	KA.31	متأخر اسلامی	گور و سنگ قبر	قلعه خرابه اوش تپه	KA.101	قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال
سلمان تپه	KA.32	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه شاده I	KA.102	قرون میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه شیخ جراح	KA.33	مس و سنگ (میانی و جدید)، اشکانی	سفال	تپه شاده II	KA.103	اشکانی و قرون اولیه اسلامی	سفال
گور تپه	KA.34	اشکانی و قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	مفرغ قدیم، آهن II و III، اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	KA.104	مفرغ قدیم، آهن II و III، اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه پرگلی	KA.35	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه متروک III	KA.105	ساسانی و قرون میانی اسلامی	سفال
قلعه سراب I	KA.36	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	تپه متروک II	KA.106	مس و سنگ، مفرغ، ساسانی و قرون میانی اسلامی	سفال
قبرستان مهدی آباد	KA.37	متأخر اسلامی (پهلوی)	گور و سنگ قبر	تپه متروک I	KA.107	مس و سنگ قدیم، میانی و جدید، مفرغ، آهن III	سفال
قبرستان مهدی آباد II	KA.38	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	گور و سنگ قبر	تپه ویان	KA.108	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال و سنگی
حسن تپه	KA.39	مس و سنگ قدیم، میانی و جدید	سفال	ساری تپه	KA.109	مس و سنگ، مفرغ، تاریخی و قرون اسلامی	سفال
آدام آلن	KA.40	دوران تاریخی و قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه قبرستان نوآباد	KA.110	تاریخی و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه بزرگ	KA.41	مس و سنگ قدیم، میانی و جدید، مفرغ، اشکانی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه دولت آباد	KA.111	تاریخی و قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه گود	KA.42	مس و سنگ قدیم، میانی و جدید، مفرغ، اشکانی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه قزلجه	KA.112	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
قلعه حاتم آباد	KA.43	متأخر اسلامی (قاجار و پهلوی)	معماری	کوروش تپه	KA.113	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
گوجه تپه	KA.44	مس و سنگ، مفرغ، اشکانی و قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	قره تپه	KA.114	تاریخی متأخر (ساسانی؟)	سفال
تپه برزخانه	KA.45	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تاک تپه	KA.115	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
عل تپه	KA.46	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	تپه امامزاده راهب	KA.116	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
گرگ تپه	KA.47	اشکانی، ساسانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	قیاق تپه	KA.117	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	معماری و سفال

گرف تپه	KA.47	اشکانی، ساسانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	قیاق تپه	KA.117	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	معماری و سفال
تپه امامزاده و بان	KA.48	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال و معماری	گالا تپه	KA.118	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه کناری ایدلو	KA.49	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	قبرستان طاسران	KA.119	تاریخی متأخر (ساسانی؟)، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه میانه ایدلو	KA.50	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه خسروا	KA.120	تاریخی (اشکانی و ساسانی)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه ایدلو	KA.51	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه اورقین	KA.121	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه بالایی ایدلو	KA.52	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	میرمحمد تپه	KA.122	تاریخی متأخر (ساسانی؟)، قرون اولیه اسلامی	سفال
تپه ایدلو V	KA.53	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه دستجرد I	KA.123	مس‌وسنگ جدید، مفرغ قدیم، آهن	سفال
تپه ناصرآباد	KA.54	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	ساری تپه دستجرد	KA.124	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه فراگل I	KA.55	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه اکئلو I	KA.125	تاریخی (اشکانی؟)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه فراگل II	KA.56	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه اکئلو II	KA.126	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه فراگل III	KA.57	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه اکئلو III	KA.127	مس‌وسنگ جدید، مفرغ قدیم	معماری و سفال
شعبان تپه	KA.58	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال و معماری	سراب تپه	KA.128	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه پیرآباد	KA.59	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	چارلی تپه I	KA.129	مس‌وسنگ، اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه پیرآباد II	KA.60	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	چارلی تپه II	KA.130	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه پیرآباد III	KA.61	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	چارلی تپه III	KA.131	قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه حصار I	KA.62	اشکانی، قرون اولیه اسلامی	سفال	تپه شیرین‌سو	KA.132	تاریخی (ساسانی)، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه حصار II	KA.63	تاریخی، قرون اولیه اسلامی	سفال	چهارطاق تپه	KA.133	مفرغ، تاریخی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه حصار III	KA.64	اشکانی، قرون اولیه اسلامی	سفال	چخماق تپه	KA.134	مس‌وسنگ میانی و جدید، مفرغ	سفال
تپه امیرآباد I	KA.65	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال و معماری	تپه زندان نادر	KA.135	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه امیرآباد II	KA.66	دوران تاریخی و قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	نادر تپه	KA.136	تاریخی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال
تپه کردآباد I	KA.67	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه قبرستان کبودرآهنگ	KA.137	قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه کردآباد II	KA.68	تاریخی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه کوریجان I	KA.138	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه کردآباد III	KA.69	اشکانی، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال	تپه کوریجان II	KA.139	تاریخی (اشکانی)، قرون اولیه و میانی اسلامی	سفال
تپه کردآباد IV	KA.70	اشکانی، قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی	سفال	پل آجری کوریجان	KA.140	صفوی	معماری

برخی از قبرستان‌ها و حمام‌ها نیز در پسِ سودجویی‌ها و گاهی بی‌توجهی‌ها در معرض تخریب قرار گرفته‌اند. به این بخش باید حفاری‌های قاچاق و غیرمجاز صورت‌گرفته در اغلب محوطه‌ها را نیز افزود که تنها منحصر به چند دهه اخیر نبوده و براساس برخی گزارش‌های تاریخی پیشینه این قبیل اقدامات مخرب به عهد قاجاریه و برخی از خوانین آن عهد و حتی دوره پهلوی اول بازمی‌گردد. در این باره می‌توان از «امیرنظام لتگاهی» (عبدالله خان) از خوانین قدرتمند قراگزلو نام‌برد که در کاوش‌های غیرمجاز باستان‌شناسی و عتیقه‌یابی‌های غارتگرانه و فروش آن‌ها به دلان بیگانه، دست داشته است. عبدالله خان از اوضاع نابه‌سامان دوره قاجاریه، به بهترین وجهی استفاده کرده و با نفوذی که در منطقه داشت، ابتدا زیر نظر دولت و نماینده کشور فرانسه و سپس خود به تنهایی یا به همراهی عموزاده‌اش، فتح‌السلطنه به خاک‌برداری مناطق باستانی و استخراج اشیاء عتیقه می‌پردازد (جعفری، ۱۳۹۵: ۴۲). وی تمام تپه‌های ناحیه کردآباد (۱۳۲۸ ه.ق.) را به دست رعایای خود خاک‌برداری کرده و عتیقه‌هایی از آن‌جا به دست آورده است، به گونه‌ای که به اظهار خود وی، ۳۰۰۰ هزار تومان به دولت پرداخت کرده تا هر چه در ملک خود (۱۱ قریه) دارد، حفاری نماید و حق داشته باشد. در روزنامه «جمالیه» آمده است، حاجی امیرنظام همه‌روزه با ۴۰۰ عمله مشغول استخراج عتیقه و حفاریات واقع در ۱۱ قریه خود با ادعای گرفتن امتیاز از دولت می‌باشد... (اذکایی، ۱۳۶۷: ۶۱۳). پیرو حفاری‌های غیرمجاز، به خصوص کاوش‌هایی که در گذشته توسط عبدالله خان قراگزلو انجام گرفته، نقل‌قول‌های فراوانی در میان برخی از مطلعین بومی وجود دارد (جعفری، همان: ۲۳) تپه‌های قدیمی روستای کردآباد، سادلج و شاهه از جمله مکان‌هایی بود که در اطراف کبودرآهنگ توسط وی خاک‌برداری شد و آثار باستانی به دست آمده به دلان خارجی اشیاء عتیقه

فروخته شد. در میان نامه‌های حکومتی وی در کردستان، مکاتبات زیادی در رابطه با قراردادهای و دستوراتی که درباره نحوه استخراج زیرخاک‌ها صادر نموده، وجود دارد که گویای وسعت دامنه عمل او بوده است (جعفری، همان: ۴۲). عین السلطنه در این رابطه می‌نویسد: امپرنظام از یک تپه در همدان که کاوش کرد تقریباً ۵۰ هزار تومان چیزهای نفیس و قیمتی بیرون آورد (روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۵، ص: ۳۷۷۱؛ سالور و افشار، ۱۳۷۷: ۳۴۹۳).

در سال ۱۳۲۸ ه.ق. حکومت وقت همدان، گزارشی از حفاری و کاوش غیرمجاز عبدالله خان را به مرکز ارسال کرد و امیرافخم شورینی، (حسام الملک دوم) نیز به خاطر رقابتی که با وی داشت، نزد حکومتیان به سعایت او پرداخت و حاصل کار این شد که وزارت داخله از سوی وزارت معارف و فواید عامه دستور داد تا قانون حفاریات از مجلس بگذرد و از مکان‌هایی که احتمال وجود اشیاء عتیقه در آن جا وجود دارد، محافظت شود. ولی همان‌گونه که گفته شد بر اثر نفوذی که عبدالله خان داشت، هیچ مأمور قانونی نتوانست در مقابل وی قد علم کند و او هم چنان رذیلانه به کار خود ادامه داد. پس از گزارش‌های مکرر، منطق الملک، معاون حکومت همدان بازرسی به روستای کردآباد فرستاد تا او گزارشی از نحوه استخراج عتیقه‌ها و مواردی که کشف شده تهیه نماید، اما مأمور مربوطه گزارش می‌دهد که عبدالله خان و تمامی خرده‌مالک‌ها، تپه‌های کردآباد را خاک برداری کرده‌اند، ولی مشخص نیست که چه اشیایی به دست آمده است (جعفری، همان: ۴۳).

بحث و تحلیل

زمین‌سیما در مطالعات باستان‌شناسی، به معنای بستر جغرافیایی زندگی انسان تعریف می‌شود، بستری که با محیط پیرامونش شکل گرفته است (Evans, 2006: 132)؛ برای تعریف مفهوم زمین‌سیما و جغرافیای محیطی، بایستی به درکی از مفهوم زمین‌سیما یا چشم‌انداز رسید. تعاریف مختلفی برای مفهوم چشم‌انداز ذکر شده است اما همه این تعاریف در یک مفهوم، مشترک هستند و آن، شامل ساختارهایی است که توسط انسان در میان فضا و ساختار طبیعی خاص خودشان به وجود آمده‌اند (Johnson, 2007: 3). با تحلیل و تبیین تأثیر زمین‌سیما و جغرافیای محیطی در تشکیل، رشد و افول استقرارهای دشت کبودرآهنگ، دانسته است که عوامل جغرافیایی بیشترین تأثیر را در این روند داشته‌اند.

توزیع فضایی و پراکنش استقرارهای دشت کبودرآهنگ، بیشتر در مرکز و نواحی جنوبی آن از ادوار مختلف مس‌وسنگ تا عصر قاجار بوده است و مهم‌ترین و شاخص‌ترین محوطه‌ها از منظر دوره‌های استقرار و وسعت نیز در نواحی مذکور بوده است که کلیدی‌ترین عامل را باید برخورداری از درجه ارتفاعی کم (تا ۱۶۰۰ متر) از سطح آب‌های آزاد و قابلیت‌های کشاورزی و حتی منابع آبی سطحی عنوان کرد. هم‌چنین این ناحیه از منظر راه‌های دسترسی، سهل‌الوصول‌ترین راه‌های ارتباطی بین دامنه‌های شرقی کوهستان الوند و دشت همدان به زاگرس مرکزی و فلات مرکزی را داراست.

از دیگر عوامل شکل‌گیری و توسعه محوطه‌های دشت کبودرآهنگ را می‌بایست در پتانسیل‌های بالقوه کشاورزی، خاک حاصلخیز و توانمندی‌های محیطی منطقه دانست. هم‌چنین از سوی دیگر، افزایش استقرارها در مراتع با ارتفاع نسبتاً بالا از سطح دریا و نامناسب برای کشاورزی، وسعت زیاد این قبیل محوطه‌ها و سطحی بودن آثار قرارگرفته بر روی بستر طبیعی، بیان‌گر رشد فزاینده جمعیت کوچ‌رو در این منطقه بوده است که حتی امروزه نیز دشت کبودرآهنگ شاهد این پدیده است. چنین رویکرد محیطی و جغرافیایی در سایر دامنه‌های مختلف کوهستان الوند نیز صادق است.

بیشترین محوطه‌های دشت کبودرآهنگ را استقرارهای کوچک به خود اختصاص داده‌اند که عمدتاً شامل محوطه‌های خرده‌اقماری ادوار مختلف، در حاشیه رودخانه‌ها و چشمه‌های فصلی

در دره‌های میان‌کوهی و دامنه‌های مرتفع با مراتع طبیعی وابسته و مشرف به راه‌های مواصلاتی است. زاگرس مرکزی که همواره از دوران تاریخی مسیر عبور کاروان‌های تجاری غرب به شرق و بالعکس بوده، نقش اساسی در انتشار وجوه مختلف فرهنگی را نیز بر عهده داشته و نقش مهمی در فرآیندهای مختلف ایفا نموده است. در این بین دشت کبودرآهنگ را می‌توان کریدور دشت همدان به نواحی غرب به شرق (زاگرس مرکزی به فلات مرکزی) دانست. مطالعات صورت‌گرفته مشخص کرد، استقرارهای دشت کبودرآهنگ بیان‌گر نوعی ساختار اجتماعی و ارتباطی مبتنی بر سیستم فئودالی و روستاهای خُرده‌اقماری کوچک و بزرگ به‌ویژه از دوران تاریخی (اشکانی) تا قرون متأخر اسلامی (دوره قاجار) بوده است. فراوانی استقرارهای عهد اشکانی و قاجار خود تأییدکننده این نکته است که بیشترین وابستگی‌های اقتصادی به تولیدات کشاورزی و سیستم زمین‌داری با رویکرد ارباب رعیتی بوده است که فراوانی قلاع دوره قاجار نیز از مظاهر بارز آن است. آنچه قابل توجه است، این‌که آغاز استقرار در اغلب محوطه‌های شناسایی‌شده در دشت کبودرآهنگ، متعلق به دوره اشکانی بوده و نشان از حضور اقوام تازه‌وارد به دشت در راستای بهره‌مندی از پتانسیل‌های محیطی و جغرافیایی آن است که تا دوره قاجار و پهلوی (تا انجام اصلاحات ارضی) نیز ادامه داشته است. با نگاهی به عوامل تأثیرگذار در توزیع مکانی و فضایی استقرارهای انسانی دشت کبودرآهنگ می‌توان به موارد پیش‌رو اشاره داشت؛ نخست: خاک، زمین‌های مستعد کشاورزی و آب‌وهوای مناسب و معتدل است که تنها در قسمت‌هایی از مرکز و جنوب دشت مساعد بوده که در نحوه و میزان رشد و گسترش استقرارها اثرگذار بوده است؛ دوم: راه‌های مواصلاتی است که با توجه به عبور مسیر ارتباطی دامنه‌های شرقی کوه الوند از این کریدور و امتداد آن از یک سو تا فلات مرکزی، و از سوی دیگر به زاگرس مرکزی و دره کنگاور، اهمیت راه‌ها در تبیین بهتر الگوهای استقراری و توزیع محوطه‌ها در نواحی یادشده بیشتر درک و شناخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی و مطالعه ۱۴۰ استقرار شناسایی‌شده از بررسی‌های باستان‌شناختی دشت کبودرآهنگ، با طرح پرسش: عوامل تأثیرگذار در دگرگونی و تغییرات فرهنگی استقرارهای دشت کبودرآهنگ از دوره مس‌وسنگ تا عصر قاجار چه بوده است؟ و با ارائه فرضیه تأثیر عوامل جغرافیایی، اقلیمی و محیطی در شکل‌یابی، توسعه یا افول و رکود استقرارها پرداخته شد. نیک می‌دانیم، استقرارهای جوامع انسانی، همواره در طول زمان دچار دگرگونی‌های فرهنگی و تغییرات مختلف در مکان‌گزینی خود بوده‌اند. ازجمله دلایل این تغییرات، دگردیسی در راهبردهای معیشتی در پس تحولات اقلیمی و جغرافیایی و تحولات سازمان‌های اجتماعی جوامع مختلف در پس پیشرفت فناوری بوده است. این تغییرات براساس نیازها و وابستگی‌های معیشتی در بستر زمین‌سima و جغرافیای محیطی، با تغییراتی در الگوهای زیستی جوامع انسانی در تمامی ادوار زمانی در دشت کبودرآهنگ نمود داشته است.

انگاره‌ها و تحلیل الگوهای استقراری دشت کبودرآهنگ از دو منظر قابل بحث هستند؛ نخست: اقتصاد معیشتی که مسبب تغییرات فضایی در راستای بهره‌مندی و سازگاری جوامع مختلف آن با محیط بوده که گاهی وابسته به دام با رویکرد نیمه‌یکجانشینی و گاهی نیز کشاورزی و استقرار دائم در نواحی مختلف دشت را دربر داشته است. این سازش‌های محیطی در تمامی ادوار پیش‌اتاریخ (مس‌وسنگ) تا دوران متأخر اسلامی (قاجار) در دشت کبودرآهنگ نمود داشته است. دوم: راه‌ها و ارتباطات فضایی و موقعیت سوق‌الجیشی منطقه، مرزهای سیاسی و فرهنگی و دادوستد بوده است. در ادوار مختلف تاریخی، همواره راه‌ها، تجارت و رونق اقتصادی یکی از مؤلفه‌های دوام و پایداری حکومت‌ها به‌شمار می‌رفته است. نظارت بر راه‌ها، آگاهی و جلوگیری از تحرکات احتمالی

حملات نظامی، نیاز به زیرساخت‌های مهمی هم‌چون: مراکز نظامی در طول مسیر، جاده‌های دسترسی مناسب و از همه مهم‌تر، امنیت داشته است. از این‌رو، ساخت قلعه‌ها (و در برخی موارد خرده‌محوطه‌های اقماری) همواره از سوی حاکمان و دولت‌شهرها، مهم و جدی تلقی شده است که در دشت کبودرآهنگ بیشترین نمود این مسأله را، در دوره‌های اشکانی و قاجار براساس نوع استقرارها (قلاع حصین) ارائه داده است.

کوهستانی بودن نواحی شمالی، پست و دشت‌گونه بودن نواحی جنوبی منطقه مورد بررسی، شرایط محیطی و جغرافیایی متنوع و نیز ساختار متفاوت معیشتی جوامع منطقه در هر یک از مناطق شکل‌گیری استقرارها، تنوع سازمان‌های اجتماعی را در ادوار مختلف دربر داشته است؛ به‌طوری‌که نوع‌گزینش و شکل‌گیری استقرارهای دشت کبودرآهنگ هماهنگ با نوع پتانسیل‌های محیطی بوده است. در برخی موارد شاهد استقرارهای وسیع با تداوم سکونت انسانی از ادوار مس‌وسنگ تا قاجار و در برخی موارد استقرارهای تک‌دوره‌ای، فصلی و محدود از نظر زمانی و وسعت محوطه؛ گاهی اتخاذ اقتصاد معیشتی کشاورزی و استقرار دائم و گاهی استقرار موقت با اقتصاد معیشتی دام‌پروری و بهره‌مندی بیشتر از مراتع، هستیم.

وجود آب‌های سطحی مانند تالاب و رودخانه‌های فصلی و دائمی و قرارگیری برسر مسیر راه‌های ارتباطی و مرزهای فرهنگ‌های مختلف شمال غرب، فلات مرکزی و زاگرس مرکزی باعث گردیده تا دشت کبودرآهنگ، در طی ادوار مختلف (پیش‌ازتاریخ تا دوران اسلامی) همواره مورد توجه جوامع مختلف انسانی باشد و به‌عنوان یک کریدور فرهنگی عمل نماید. درنهایت چنین می‌توان عنوان کرد که عمده محوطه‌های این دشت را استقرارهای زیر نیم هکتار و به‌صورت محدود بالای یک تا سه هکتار به‌خود اختصاص داده‌اند که نشان از وجود روستاهای کوچک و بزرگ در تأمین هسته‌های مرکزی خود در ادوار پیش‌ازتاریخ و حکومت‌های مرکزی در دوران تاریخی با ظهور سیستم فتودالیسم (مخصوصاً در دوره‌های اشکانی و قاجار) با رویکرد ارباب رعیتی با بهره‌مندی از جغرافیا، زیست‌بوم و قابلیت‌های محیطی منطقه بوده است.

کتابنامه

- اذکایی، پرویز، (۱۳۶۷). «قراگوزلوهای همدان، خاندان بهاءالملک آبشینی» (قسمت سوم). مجله آینده، سال ۱۴، شماره ۹ تا ۱۲، صص: ۶۰۰-۶۱۷.
- بلمکی، بهزاد، (۱۳۹۴). «تحلیل الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌سنگی متأخر دشت همدان براساس توزیع رتبه-اندازه و مدل آنتروپی شانون». مجله مطالعات باستان‌شناسی، سال ۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱، صص: ۲۹-۴۵.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ و بیک محمدی، نسرين، (۱۳۹۱)، «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر - همدان)». فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، شماره ۲، سال ۲، صص: ۱۲۱-۱۴۰.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ و نظری، مصطفی، (۱۳۹۶)، «بررسی نقوش سنگ‌قبرهای دوره سلجوقی همدان». فصلنامه باستان‌شناخت، دوفصلنامه علمی-تخصصی انجمن علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، شماره ۵، دوره ۴، بهار و تابستان، صص: ۹۱-۱۱۶.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ و نظری‌ارشد، رضا، (۱۳۹۶). «تحلیل و نگرشی بر استقرارهای دوره مس‌وسنگ دشت کبودرآهنگ (مبتنی بر پروژه بررسی باستان‌شناختی شهرستان کبودرآهنگ)». همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: دانشگاه تهران، آبان‌ماه ۱۳۹۶.
- تاجبخش، رویا؛ و بلمکی، بهزاد، (۱۳۹۳). «تحلیل الگوهای استقرار و حوضه گیرش محوطه‌های عصر مس‌سنگی واقع در اطراف الوند در ارتباط با تشابهات منطقه‌ای و

- فرامنطقه‌ای». مطالعات باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۱-۱۹.
- جانجان. محسن، (۱۳۹۱). «گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی بخش زند و مرکزی شهرستان ملایر». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- جانجان، محسن؛ بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ خاکسار، علی؛ و بیک‌محمدی، نسرين، (۱۳۹۲)، «سازه‌های آبی-تاریخی استان همدان: پل‌ها (برپایه بررسی موردی و مطالعات باستان‌شناختی)». در: مجموعه مقالات چهارمین همایش باستان‌شناسان جوان، تهران: آبان‌ماه، دانشگاه تهران، چاپ اول، صص: ۵۲۹-۵۴۲.
- جعفری، سید حسین، (۱۳۹۴). از ذهن هفت کاریز کبود (تاریخ و فرهنگ کبودآهنگ). کبودآهنگ: انتشارات جام‌جمشید، چاپ اول.
- چایانی، جمشید، (۱۳۹۰). کبودآهنگ در گذر تاریخ. کبودآهنگ: نشر جام‌جمشید، چاپ اول.
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۰). «گزارش مقدماتی دومین فصل گمانه‌زنی در نه‌اوند به‌منظور شناسایی معبد لائودیسه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۱الف). «گزارش سومین فصل گمانه‌زنی در نه‌اوند به‌منظور شناسایی معبد لائودیسه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، (۱۳۹۱ب). «گزارش فصل هفتم (کاروانسرای ایلخانی) کاخ ناتمام بیستون». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه-بیستون (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم، (۱۳۹۳). «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۷۳-۹۰.
- عین‌السلطنه (سالور)، قهرمان میرزا، ۱۳۲۴-۱۲۵۰، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (روزگار پادشاهی سلسله پهلوی). ج ۱ تا ۱۰، به‌کوشش: مسعود سالور و ایرج افشار، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ناشر: اساطیر.
- قبادیان، عباس، (۱۳۶۹). سیمای طبیعی فلات ایران (در ارتباط با بهره‌برداری کشاورزی - احیاء و بازسازی منابع طبیعی کشور). تهران: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مبین، صادق، (۱۳۴۳). جغرافیای گیاهی. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی، مریم؛ و شعبانی، محمد، (۱۳۹۵). «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان». فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱۱، صص: ۱۳۵-۱۵۰.
- محمدی، مریم؛ و رضایی، مصطفی، (۱۳۹۶). «بررسی مجموعه آثار محوطه باستانی قلعه جوق فامنین همدان در دوران تاریخی و اسلامی». سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، تهران (<https://civilica.com/doc/770603>).
- محمدی، مریم؛ و رضائی، مصطفی، (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی قلاع اربابی شهرستان بهار (استان همدان)». دوفصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۲۳۲-۲۶۵.
- مقیمی، نیلوفر، (۱۳۹۵)، «مطالعه گونه‌شناختی و گاه‌نگاری مقایسه‌ای ظروف سفالین تپه گیان نه‌اوند: مجموعه موزه مقدم دانشگاه تهران». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۲، صص: ۱۶۷-۱۸۸.
- مهندسین مشاور گنو، (۱۳۸۱). (GUENO) آب و هوای استان همدان. مطالعات طرح جامع گردشگری استان همدان، همدان، اداره کل منابع طبیعی استان همدان.

- نظری‌ارشد، رضا، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان کبودرآهنگ، بخش‌های مرکزی و گل‌تپه». دو جلد، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان ملایر، بخش‌های مرکزی و جوکار». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا، (۱۳۹۱). «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان تویسرکان و بخش مرکزی همدان». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا؛ و بیک‌محمدی، خلیل‌الله، (۱۳۹۶). «گونه‌شناسی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی دشت تویسرکان مبتنی بر نتایج بررسی‌های باستان‌شناختی». سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند.
- هژبری، علی، (۱۳۸۹). «بازنگری تعیین عرصه و حریم محوطه تاریخی هگمتانه». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- هنریکسون، رابرت. سی، (۱۳۸۳). گودین III و گاهنگاری غرب مرکز ایران در حدود ۲۶۰۰ - ۱۴۰۰ پ.م. در: باستان‌شناسی غرب ایران. به‌کوشش: فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- وات، کنت، (۱۳۸۶). مبانی محیط‌زیست. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، چاپ نهم، مشهد: جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.

- Evans, G., (2006). *Environmental Archaeology and Social Order*. Routledge, London and New York.
- Gopnik, H., (2011). "The Median Citadel of Godin Period II". In: *On the High Road, the History of Godin Tape, Iran*. Ontario: Royal Ontario Museum.
- Henrickson, R. C., (1984). *Simaski and central western Iran*. The archaeological evidence, *zeitschrift fur assyriologia*.
- Henrickson, R. C., (1986). "A regional perspective on Godin III cultural development in center western Iran". *Iran*, Vol. 22, Pp:1-57.
- Johnson, H. M., (2007). *Ideas of Landscape*. London, Blackwell Publishing.
- Levin, L. D. & Young, T. C., (1986). *A summary of the ceramic assemblage of the central western Zagros from the Middle Neolithic to the late third millennium B.C.* colloques international aux CNRS Prehistoric de La Mesopotamie 17-18-19 Decamber 1984, Paris.
- Levine, L. D., (1975). "The excavation at Seh Gabi Proceedings of the III rd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran". F. Bagherzadeh (ed) *Iranian Center for Archaeological Research Tehran*, Pp: 31-44.
- Levine, L. & Young, T. C., (1986). *A sumary of the ceramic assemblages of the central western zagros from the middle Neolithic to the late third millenium B.C.* Colloques internationaux CNRS, Paris.
- Young T. C. & Louis, L., (1974). *Excavations of the Godin project P second program report*. Occasional paper art and archaeology, royal Ontario museum (ROM), march 1944.
- Young, T. C., (1963). "Dalma Painted Ware". *Expedition*, Vol. 5, No. 2, Pp: 38-39.
- Young, T. C., (1967). "The migration into the Zagros". *Iran*, Vol. 5, 1 Pp: 1-34.